

راه کارهای نظری و عملی برای سلوک معنوی هنرمند در منشور فتوت نامه‌ها

احمدرضا ابراهیمی / طلبة سطح سه حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه شاهد، تهران
(نویسنده مسئول).
ahmadrezaebrahimi100@gmail.com

سید رضی موسوی گیلانی / دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب، قم.

دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۰ - پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۳۰

چکیده

بررسی فتوت نامه‌ها با نگاهی به مباحث معنوی و حکمت هنر نشان می‌دهد که یکی از بسترهای رشد باطنی و معنوی انسان، پیشه‌وری و هنرورزی است. در این مقاله که به روش توصیفی و تحلیلی تدوین شده است، تلاش می‌کنیم که نشان دهیم راه کارهای نظری و عملی برای این سلوک معنوی چیست. در نوع اول فتوت نامه‌های صنفی، آموزه‌ها و معانی مربوط به هر پیشه را بیان کرده و بر دانستن آن‌ها تأکید می‌کند. اهمیت این نوع آموزه‌ها تا جایی است که در برخی فتوت نامه‌ها دانستن آن‌ها شرط آغاز کار بوده است. در گام بعد، راه کارهایی عملی ارائه می‌شود که این هنرمند را به سلوکی در حوزه رفتار هدایت کند. این راه کارها برخی قبل از انجام کار و برخی همراه با هر مرحله از صنعت، توصیه شده و در بسیاری موارد، ارتباط تنگاتنگی با خود عمل دارد.

کلید واژه‌ها: پیشه‌وری، سلوک، عمل هنری، فتوت نامه، معنویت، هنرمند.

مقدمه

بحث از حقیقت هنر و مسیر هنرورزی، با نگاه به پیشینه اسلامی و ایرانی ما، از جنبه‌های مختلف شایسته بررسی است. فراگیر شدن هنر در همه عرصه‌های زندگی و نیاز مبرم به فرهنگ بومی و اصیل اسلامی و ایرانی، ما را بر آن می‌دارد تا به شکلی مدبرانه به فرهنگ سنتی و متون تاریخی خود بازگردیم و با بهره‌گیری از منابع غنی فرهنگ اسلامی، نسخه‌ای پویا را برای آینده هنر خود ارائه دهیم. به این منظور، یکی از گزینه‌های قابل توجه برای رجوع و استنباط مسائل هنر، فتوت‌نامه‌ها و منشورهای آدابی و اخلاقی مربوط به آیین جوانمردی است.

فتوت‌نامه‌ها از قدیمی‌ترین متونی هستند که نوعی مرام و سلوک اسلامی را مورد توجه قرار داده و می‌توان گفت که منابعی غنی و سرشار برای جامعه تشنه اخلاق و معنویت امروز محسوب می‌شوند. فتوت‌نامه‌نویسان معتقد بودند اصحاب فتوت، هم باید حرفه‌ای را آموخته و به آن مشغول باشند و هم اصول و آیین جوانمردی را در کار خود رعایت کنند.

این مقاله چنین ادعایی ندارد که هر کدام از فتوت‌نامه‌ها به تنهایی همه پاسخ‌ها را داده است، بلکه نظام فکری فتوت‌نامه‌ها که از طریق مطالعه مجموع آن‌ها بدست می‌آید، نظامی واحد و منسجم است که عمل هنری را به سوی معنویت هدایت می‌کند. بر این اساس، می‌توانیم با نگاهی به این متون بگوییم: اگر بپذیریم که اولاً می‌توان برای فهم برخی مسائل مورد توجه در حوزه هنر به فتوت‌نامه‌ها رجوع کرد؛ و ثانیاً می‌توان نوعی نظام تربیت معنوی و سلوک باطنی را در این متون مشاهده کرد و در هنر نیز تسری داد؛ آن‌گاه باید به این سوالات پاسخ دهیم که:

الف) فتوت‌نامه چگونه می‌تواند هنرمند را از طریق عمل هنری، به سلوک معنوی برساند؟

ب) برای بیان ارتباط بین هنر و معنویت، چه روش‌هایی در فتوت‌نامه‌ها پیش گرفته شده

است؟

ج) برای عمل به هر یک از روش‌های فتوت‌نامه در راستای ایجاد ارتباط بین عمل هنری و

سلوک باطنی، چه نسخه‌ای ارائه شده است؟

لازم به ذکر است که در زمینه مطالعات مربوط به فتوت‌نامه‌ها، تاکنون تحقیقات شایسته‌ای

صورت پذیرفته است که عمدتاً ناظر به نسخه‌شناسی و اصلاح، بررسی و تحلیل ساختار، تاریخچه

راه کارهای نظری و عملی برای سلوک معنوی هنرمند در منشور فتوت‌نامه‌ها ■ ۱۳

و یا تحلیل محتوا از دید اخلاقی و عرفانی بوده است و منابع مورد استفاده این مقاله، نمونه‌های اصلی این نوع تحقیقات است. اما بررسی فتوت‌نامه‌ها با رویکرد بررسی مسائل مربوط به هنر، پیشینه‌چندانی نداشته و در بین جست‌وجوهای نویسنده، مواردی یافته شده که برخی از آن‌ها در شکل‌گیری این نوشتار دخیل بوده است:

شفیعی علویجه، سمیرا، *آداب معنوی در تعلیم هنر خوشنویسی با توجه به فتوت‌نامه‌ها و رسالات*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، دفاع در سال ۱۳۹۲.

جوان آراسته، امیر، *مقایسه هنر در آیین فتوت و آیین ذن (با تکیه بر آثار د. ت. سوزوکی)*، رساله دکترا، رشته ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه قم، دفاع در سال ۱۳۹۱.

موسوی گیلانی، سیدرضی، *هنر اسلامی در آیین فتوت‌نامه‌ها با تأکید بر فتوت‌نامه چیت‌سازان، مطالعات هنر اسلامی*، ش ۱۵، تهران: ۱۳۹۰.

معرفی اصحاب فتوت و فتوت‌نامه‌ها

«فتوت» واژه‌ای عربی از ریشه فتی است (دهخدا، ۱۳۷۷). فتی به معنای جوان است؛ و همان‌طور که از واژه «أخی»، واژه «اخوت» گرفته می‌شود، از واژه «فتی» نیز واژه «فتوت» استخراج می‌شود؛ در کتب لغت برای فتوت، معانی متعددی را برشمرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: «جوانمردی (زبیدی، ۲۰۱۱: ۲۷)، بلندهمت‌ی و بزرگواری (معلوف، ۱۳۸۷: ۱۴۵۳/۲)، (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۶۹۷۴)». در کنار معنای لغوی فتوت، منابع متعددی در مقام بیان فتوت بوده‌اند. احادیثی چند از معصومان علیهم‌السلام، برخی کتب عرفانی و حتی کتب لغت در این باره مطالبی را بیان داشته‌اند که به طور خلاصه به این شرح است: امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

«جوانمرد یعنی کسی که به خدا ایمان دارد و تقوای الهی پیشه کرده است. به‌راستی که اصحاب کهف کهنسال بودند، اما خداوند آنان را به‌واسطه ایمانشان جوانمرد نامید» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۲۸/۱۴).

همچنین در این باره نقل است که فرمود:

«جوانمردی تنها با سفره‌ای گسترده و عطایی بخشیده و خوش‌رویی

(نیکی) پسندیده و پرهیز از مردم آزاری حاصل می‌شود» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲۹۴/۲).

در منابع عرفانی، سخن در این باب بسیار است و نمونه آن تعریف ابو عبدالرحمن سلمی است که نوشته:

«فتوت یعنی انجام بهترین اطاعت و ترک کردن هر عمل ناپسند و مقید بودن به مکارم اخلاق و خلق نیکو چه در ظاهر و باطن و چه در خفا و آشکار» (سلمی، ۱۳۹۷: ۱۱).

دهخدا نیز چنین آورده است که:

«فتوت در اصطلاح اهل حقیقت، آن است که خلق را به دنیا و آخرت از خویش نرنجانی. کف نفس از آزار رساندن به خلق، بخشش موجود، ترک شکایت از فقد موجود باشد» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۶۹۷۴).

در قرآن کریم نیز هفت بار این واژه به کار رفته که دو مورد آن برای اصحاب کهف (کهف: ۱۰ و ۱۳)، دو مورد در تعبیر از جوان خدمتکار حضرت موسی (کهف: ۶۰ و ۶۲) و موارد دیگر درباره حضرت ابراهیم علیه السلام (انبیاء: ۶۰)، دو جوان زندانی همراه حضرت یوسف علیه السلام (یوسف: ۳۶) و اصحاب حضرت یوسف علیه السلام (یوسف: ۶۲)، به کار رفته است. در احادیث نیز این واژه درباره برخی شخصیت‌ها به ویژه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام کاربردهای فراوانی دارد که نمونه آن جمله معروف «لا فتی إلا علی» است (رک: قمی، ۱۴۰۴: ۱۱۶/۱؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۹۵ و کلینی، ۱۴۲۹: ۲۷۰/۱۵).

فتوت‌نامه‌نویسان بر این عقیده‌اند که روش و مسلک جوانمردی تاریخچه‌ای به درازای حیات انسان بر روی زمین دارد. عبدالرحمن سلمی در همان ابتدای فتوت‌نامه خود، آدم ابوالبشر را به عنوان اولین کسی که دعوت فتوت را اجابت کرد، معرفی می‌کند (سلمی، ۱۳۸۵: ۱۸). برخی دیگر معتقدند، خداوند فتوت را قبل از آدم خلق کرده و اساساً بهشت با نور فتوت آراسته شده است (افشاری و مدائنی، ۱۳۸۵: ۲۸). هرچند درباره ریشه‌های شکل‌گیری اجتماع اهل فتوت، گمانه‌هایی وجود دارد، اما قرائت عمده درباره ظهور آن، به قرون نخستین اسلامی می‌گردد. در ایران، به خاطر ظلم زیاد خلفای جور، در قرن دوم، جنبشی در خراسان به فرماندهی

ابومسلم خراسانی به وقوع پیوست که جریان فتوت را بیش از پیش رواج داده و حیات آن را رسمیت بخشید. بعدها این جنبش در قالب نهضت‌های عیاران که در برابر حکومت عباسی قد علم کرده بودند، به حیات خود ادامه داده و تا دوره حکومت صفوی هم در ایران رایج و به اوج حساسیت اجتماعی خود رسید (نفیسی، ۱۳۸۵: ۱۵۴).

فتوت‌نامه، رساله یا کتابی است که در باب منش، عقاید و قوانین جوانمردان نوشته شده است. علاوه بر این، فتوت‌نامه‌ها، دربردارنده معنای جوانمردی، تاریخچه، آداب، اذکار و تشریفات پیوستن به جمع اهل فتوت است. بی‌گمان مجموعه فتوت‌نامه‌های فارسی، بخش عظیمی از ادبیات عامه ایران به حساب می‌آیند و می‌توانند نموداری باشند که فرهنگ توده مردم ما در روزگاران گذشته را نشان می‌دهد. فتوت‌نامه‌ها بخشی از فرهنگ شفاهی، عرفان غیر کلاسیک، ادبیات کلاسیک و تاریخ کهن ایران پس از اسلام است. از این رو، این متون از جنبه‌های مختلف دارای ارزش و اعتبار فرهنگی‌اند (افشاری، ۱۳۸۲: ۱). فتوت‌نامه‌ها از یک حیث به دو نوع تقسیم می‌شوند:

نوع اول) فتوت‌نامه‌هایی که در مقام بیان خصوصیات، ویژگی‌ها، آداب و رسوم و اذکار و تشریفات عامه اهل فتوت است. ابن معمار بغدادی (م ۶۴۲)، فتوت‌نامه‌ای به نام «الفتوه» نوشته است که آن را اولین فتوت‌نامه‌ای به حساب آورده‌اند که به‌طور رسمی و واقعی، آداب، رسوم و عقاید اهل فتوت را بازگو کرده است. به عبارت دیگر ابن معمار با تدوین این فتوت‌نامه، بر این هدف بوده است که منشوری برای تشکل جوانمردان ارائه کند. به همین خاطر است که فتوت‌نامه ابن معمار را می‌توان یکی از کامل‌ترین فتوت‌نامه‌ها دانست. البته برخی آن را قدیمی‌ترین فتوت-نامه موجود دانسته‌اند (واعظ کاشف سبزواری، ۱۳۵۰: ۱۲). ابو عبدالرحمن سلمی (۳۳۰-۴۱۲ ق)، در فتوت‌نامه خود به زبان عربی به نام «الفتوه»، خصوصیات اهل فتوت را نوشته است. عبدالکریم قشیری (۳۷۶-۴۶۵ ق) در فتوت‌نامه خود، ضمن تعریف جوانمردی و خصوصیات آن، حکایت‌هایی هم از ایشان نقل کرده است (رک: قشیری، ۱۳۸۵). عطار نیشابوری در هشتاد و دو بیت، هفتاد و دو شرط را بر فتوت برمی‌شمرد. این مجموعه نظم فارسی، در دیوان عطار نیشابوری منتشر شده است. عمر بن عبدالله شهاب‌الدین سهروردی، عارف قرن هفتم (م ۶۳۲ ق)

نیز دو فتوت‌نامه به زبان فارسی دارد و در آن تلاش می‌کند تا جریان فتوت را به‌عنوان جزئی از تصوّف معرفی کند (رک: صراف، ۱۳۵۲: ۸۶).

نوع دوم) فتوت‌نامه‌هایی که مسائل فوق را پیرامون صنف خاصی از اهل فتوت - که در برخی از موارد می‌توان آنان را به معنای امروزی هنرمند نامید - نگاشته شده است. در متون نوع دوم، اصناف فتوت، با محوریت پیشه‌ها و حرفه‌ها از یکدیگر مجزا شده‌اند و از همین روست که امروزه فتوت‌نامه‌های مختلفی پیرامون اصناف گوناگون در دست است. این امر بدان خاطر بوده که در گذشته، فتوت در میان اهل صنوف مختلف رواج داشته و هر یک از صنوف برای خود فتوت‌نامه جداگانه‌ای تنظیم کرده‌اند (کربن، ۱۳۸۳: ۹). فتوت‌نامه بنایان، چیت‌سازان، کفش-دوزان، قصابان، مداحان، معرکه‌گیران و... نمونه‌هایی از این دست است. واعظ کاشف سبزواری نیز فتوت‌نامه‌ای جامع به نام «فتوت‌نامه سلطانی» نوشته است که از ویژگی‌های بدیع آن یک گام نزدیک‌تر شدن فتوت‌نامه‌ها به هنرهای رایج امروزی است. او در این فتوت‌نامه، آداب و احوال برخی حرفه‌های هنری همچون معرکه‌گیران، مداحان و قصه‌گویان را بیان کرده است (رک: واعظ کاشف سبزواری، ۱۳۵۰: ۲۷۶).

باید گفت که هر چند در مورد نویسنده یا سراینده اصلی برخی از این فتوت‌نامه‌ها اختلاف نظرهایی وجود دارد و حتی برخی فتوت‌نامه‌ها فاقد نام یا فاقد نامی مشهور است، با این حال آنچه در این بین اهمیت دارد و شیوه و دستور کار این مقاله بوده است، توجه به متن فتوت‌نامه‌ها بدون التفات به نویسنده آن است و بر این باوریم که آنچه بیشتر از اختلاف بر سر نام نویسنده اهمیت دارد، وجود چنین ادبیات و منطقی بر دورانی از تاریخ ایران است.

ارتباط حرفه و هنر

همان‌طور که می‌دانیم، هنر در معنای امروزی آن، هر چند بسیار متأخر است، اما در تاریخ ایران، این مفهوم ارتباطی نزدیک با حرفه و فن داشته و شبیه همین رابطه، میان واژه Art و تخنه یا همان تکنیک وجود دارد (پازوکی، ۱۳۸۴: ۹ و ۵۰). در سده‌های میانی، هنر (صناعت یا فن) شیوه درست ساخت یا اجرای هرآنچه ممکن بود کسی به ساخت یا اجرایش بپردازد، بود. چه

راه کارهای نظری و عملی برای سلوک معنوی هنرمند در منشور فتوت‌نامه‌ها ■ ۱۷

بسا در آن روزگار هنرهایی چون پینه‌دوزی و یا ناوبری و یا طب و نیز هنرهای رزمی وجود داشتند. تبحر در آن فن یا تکنیک، مقوم مقام هنر در این معنای ماقبل تجدد است (کرول، ۱۳۹۵: ۱۷). در این باره، گنون می‌نویسد:

«تمایز میان هنرها (یا صناعات) و پیشه‌ها (یا حرف) یا میان هنرمند و صنعت‌گر، خود پدیده‌ای است بالأخص امروزمین؛ و گویی ناشی از انحراف و انحطاطی است که در همهٔ امور، بیش غیرسستی را جانشین بیش سستی نموده است. در نظر قدما، هنرور، بدون تفاوت به پیشه‌ور و هنرمند اطلاق می‌شد» (گنون، ۱۳۸۴: ۶۵).

خصوصاً اینکه فندرسکی در «رسالهٔ صناعیه» خود، کارهایی مانند موسیقی و نقاشی را جزء صنایع و حرف برمی‌شمرد (جمشیدی، ۱۳۸۷: ۶۶). در بین شعرای فارسی نیز می‌توانیم نمونه‌هایی را بیابیم که صنعت در این معنا به کار رفته است. به عنوان مثال، حافظ نیز برای معنای حرفه و کار برای صنعت بیت زیر را سروده است:

خم ابروی تو در صنعت تیراندازی برده از دست هر آن‌کس که کمانی دارد

بنابر این هنر به معنای امروزمین، از دل صناعت‌ها و حرف‌ها بیرون آمده و نمی‌توان هنر را از صناعت و فن بیگانه دانست. خصوصاً اینکه اگر تعریف هنر را بر اساس نظریهٔ محاکات، بر بازنمایی بگذاریم، بسیاری از آن‌چه دربارهٔ صنعت و آداب آن، سخن به میان می‌آید، عملاً دربارهٔ هنر نیز قابل تطبیق است. بنابر این اگر در فتوت‌نامه، اصولی را بیابیم که صرفاً دربارهٔ یک صنف یا حرفه، مباحثی را مطرح کرده باشد، همین یک مورد کافی است که بتوان به سایر مسائل و مصادیق هنری تعمیم داده شود. خصوصاً اینکه ما در همین متون، برخی از هنرهای امروزمین را به اسم حرفه‌ای دیگر می‌شناسیم؛ مانند هنر معماری که در فتوت‌نامه‌ها به نام بنایی ذکر شده و هنر رنگ‌آمیزی که در حرفهٔ چیت‌سازی متجلی است.

دو نوع تلاش برای سلوک معنوی هنرمند

در این بخش از مقاله، به پاسخ سؤالات مطرح شده می‌پردازیم. سؤالاتی که مضمون آن،

چگونگی ایجاد ارتباط بین عمل هنری و رشد معنوی در فتوت‌نامه‌هاست. با بررسی فتوت‌نامه‌هایی که نویسنده توان دستیابی به آن‌ها را داشته است، دسته‌بندی‌ها و تقسیمات مختلفی را می‌توان دریافت. اما نوعی دسته‌بندی مطالب فتوت‌نامه‌ها به نظر می‌رسد که مناسب‌تر با سنت عرفانی دارد و به شرح زیر است:

الف) راه کارهای نظری و زمینه‌های سلوک معنوی: فتوت‌نامه‌ها با بیان سلسله‌ای از دانش‌ها و عقاید دینی و اخلاقی، به منظور ایجاد زمینه‌ای معنوی و نگاهی باطنی به هنر، به هنرمند مسائلی را می‌آموزد که این می‌تواند بر تمامی مراحل کاری وی اثرگذار شده و معنابخشی کند. بخش مهمی از این دانستنی‌ها، به ایجاد ارتباطی وثیق میان ظواهر کار و باطن آن منجر می‌شود و در این مرحله، فتوت‌نامه، پای را فراتر نهاده و انگار بر این عقیده است که پشت هر رفتار و مرحله از پیشه‌وری، معانی حکمی نهفته است و هیچ عملی بدون معنا نیست.

ب) راه کارهای عملی: در حرکت به سمت رشد معنوی، علم به تنهایی کفایت نکرده و فتوت‌نامه برای ایجاد این سلوک، راه کارهای عملی را توصیه می‌کند. هرچند برخی از این توصیه‌ها دارای کلیت و قابلیت تعمیم بر سایر رفتارهای زندگی را دارد، اما بخش مهمی از آن‌ها، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که انگار میان عمل هنری و حکمت عملی هیچ بیگانگی وجود ندارد و هنرمند با رعایت و عمل به آن‌چه به آن توصیه شده، با هر اثر هنری، سلوک معنوی کرده و مراحل رشد را طی می‌کند. در این مقام، فتوت‌نامه کوشیده است که حرفه و هنر را به گونه‌ای تعریف کند که از دل عمل هنری، عمل اخلاقی و معنوی پدید آید؛ و چنان ریشه آن هنر را به این امور گره زند که انگار عمل هنری زاینده این نگاه باطنی بوده و میان این دو عمل و عقیده، وحدتی است که یکی بدون دیگری امکان ظهور نداشته است.

تلاش برای سلوک باطنی و معنوی تقریباً در بیشتر رفتارهای هنرمند و اعمال هنری لحاظ شده است و شاید به جرأت بتوان گفت که هر یک از جزئیات کار به نوعی با این نگاه عمیق باطنی و اخلاق‌مدار ارتباط یافته است. هر چند ادعا داریم که این دو روش در فتوت‌نامه‌ها به صراحت و البته به وفور به کار رفته است، اما ترتیب اعمال و آداب پیشنهادی بر اساس تقدم علمی و تأخر عملی نیست. به عبارت دیگر، آموزه‌های فتوت‌نامه به گونه‌ای نیست که گام به

راه کارهای نظری و عملی برای سلوک معنوی هنرمند در منشور فتوت‌نامه‌ها ■ ۱۹

گام بوده و دانسته‌هایی را قبل از آغاز کار بگوید و پس از مدتی او را به حکمت عملی وادار کند؛ بلکه این آموزه‌ها و رفتارها به صورت توأمان ارائه شده و انگار نویسنده فتوت‌نامه، تلاش داشته است که به فراخور شئون کاری و متناسب با هر مقام، دانسته‌ها و رفتاری را توصیه کند و هیچ یک را مقدمه‌ای بر دیگری محسوب نکرده است.

راه کارهای نظری برای سلوک معنوی

در این گام، دانش و علومی به هنرمند آموخته و یا یادآوری می‌شود که برخی به طور کلی، برای هر اهل فتوت لازم و برخی دیگر، مختص آن عمل هنری است. این گام که به عنوان حکمت نظری خوانده می‌شود، هنرمند با نگاهی باطنی مواجه می‌شود و پس از چندی، نگاهی باطنی را پشتوانه اعمال هنری خود می‌داند. مهم‌ترین موارد در حکمت نظری برای ایجاد سلوک معنوی به شرح زیر است:

۱- توصیه به دانستن فتوت‌نامه

گام پیشین در آغاز حرفه برای اهل فتوت، توصیه به دانستن همین فتوت‌نامه‌هاست. بخش زیادی از این دست توصیه‌ها، معمولاً در ابتدای بیشتر این متون بیان شده و دانستن آن به همه اهل فتوت توصیه شده است و در مواردی ندانستن یا عمل نکردن به آن مذمت شده است. بخش دیگر نیز در لابه‌لای مطالب و به بهانه‌های مختلف گنجانده شده است. در مقدمه فتوت‌نامه سلیمان می‌خوانیم:

«می‌باید هر کس کسب و کار سلمان را می‌کند، بر او خبردار باشد؛ که از خدمت و ملازمتی که سلمان به‌جا می‌آورد حضرت رسول ﷺ در حق وی فرمود: سلمان منّا اهل بیت. تو او را سلمانی توان گفت و هر چه از این کار و کسب حاصل کند و بخورد و بپوشد، بر وی حلال باشد» (افشاری، ۱۳۸۲: ۷۸).

در فتوت‌نامه کفش‌دوزان، دانستن و واقف بودن به این آداب آن‌چنان اهمیت دارد که «غلام محمد قریشی» که ظاهراً نویسنده این فتوت‌نامه است، پس از نام و حمد خدای تعالی، بلافاصله

وجوب دانستن و قرائت این فتوٰت نامه را گوشزد می‌کند. وی می‌نویسد: «بدان که خواندن این رساله کفش دوزان فرض است. هر کس که این رساله نداند و روزی از آن کسب خورد، حرام است» (صراف، ۱۳۵۲: ۵۸). این امر تا جایی است که گاه فتوای حرمت ندانستن یا عمل نکردن به مفاد فتوٰت نامه‌ها را به حضرت ابراهیم علیه السلام نسبت داده‌اند و در فتوٰت نامه طباحان نوشته‌اند:

«بدان که این رساله‌ای است در بیان طباحی که ابراهیم خلیل می‌فرماید: که هر که طباح باشد و این بیان نداند و یاد نگیرد، هر چه از این بحر بخورد، برو حرام است. می‌باید که کوچکان (شاگردان) ابراهیم، یاد گرفتن این رساله را فرض گیرند» (همان).

همین قانون در فتوٰت نامه معماران نیز دیده می‌شود (رک: خان‌محمدی، ۱۳۷۱). در خلال نمونه‌های این قانون، به خوبی می‌توان دید که ابتدای حکمت نظری، دانستن اهمیت و افری یافته و برای این هدف، تدابیری - ولو استفاده از ادبیات فقهی - نیز اندیشیده شده است.

۲- ایمان قلبی

پس از آنکه فتوٰت نامه جایگاه خود را برای پیشه‌ور تثبیت کرد، گام بعد توجه به حوزه عقیدتی و ایمانی اوست. فتوٰت نامه در این گام تلاش می‌کند عقیده صحیح و مطلوب خود که عقاید اصلی مسلمانان (اصول دین) را بازخوانی کند و به هنرمند یادآوری کند که همواره عقاید دینی خود را مرور کند. از جمله دانش‌های لازم برای اهل فتوٰت، دانستن اصول دین است. در مقدمه تمامی فتوٰت نامه‌ها به طریقی، خطبه‌ای مأثور و یا گاه غیر مأثور، از معصومین علیهم السلام نوشته شده است که در آن شهادت به یکتایی خدا و رسالت و خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و سلام و صلوات بر وی و خاندان مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ذکر شده است. هر چند این نوع آغاز، در ابتدای اکثر فتوٰت نامه‌ها به زبان‌ها و ادبیات مختلف بیان شده است، اما مسئله توحید و نبوت، در جای جای فتوٰت نامه‌ها حضور پررنگ دارد. به عنوان نمونه، در رساله بیست و سوم کتاب «فتوٰت - نامه‌ها و رسائل خاکساریه» که اصل این فتوٰت نامه، در مجموعه خطی شماره ۸۶۰ کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه مشهد، نگهداری می‌شود، فصلی به عنوان ارکان فتوٰت است که به - وضوح در آن می‌خوانیم:

«اگر از تو پرسند که مسلمانی؟ بگو الحمدلله. اگر پرسند از کی مسلمانی؟ بگو از یوم قالوا بلی، اگر پرسند که رواج ایمان تو چیست؟ بگو شهادتین، اگر پرسند مسلمانی چند چیز است؟ بگو پنج: اول توحید، دوم عدل، سوم نبوت، چهارم امامت، پنجم معاد (افشاری و مدائنی، ۱۳۸۵: ۱۸۸)».

این دستورالعمل نیز، در خود این دوگانگی را دارد. با این حال، فتوت‌نامه تلاش می‌کند، به معمار یا هنرمند دیگر بیاموزد که حتی اگر هنر راه خود را می‌رود، لازم است هنرمند به مسائلی آگاه بوده و ایمان داشته باشد. این عقیده الهیاتی، چیزی غیر از عمل هنری پنداشته می‌شود و برای هم‌نشینی و مناسبت بین آن دو تلاش شده است.

۳- دانش نسبت به فروع شرعی و آداب

پس از بازگویی و توجه به عقیده هنرمند، نوبت به علم به امور شرعی و آدابی می‌رسد که برخی از آن‌ها به طور عمومی بر هر فرد لازم و برخی دیگر آداب و اموری است که مختص به هر حرفه و شغل است. به عنوان نمونه، در فتوت‌نامه معماران می‌خوانیم:

«اگر پرسند که چند اصل است بنائی را بگو که پنج اصل است. اول با طهارت بودن، دوم بر جاده راستی بودن، سوم باحیا بودن و نظر از غیر برداشتن، چهارم کم سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد مشایخ و بزرگان. اگر پرسند که چند حکم باشد بنائی را، بگو که ده حکم است. اول آن که هر صبح که برخیزد از علم شریعت و طریقت باخبر باشد تا استادی او را مسلم باشد. دوم، هر کس را درخور حوصله و توانایی کار فرماید. سوم، باسخاوت و خیر باشد، چهارم در کار خود استاد باشد و آن چه را که انجام دهد، چنان باشد که از برای خود نماید. پنجم با همه کس به خلق نیکو پیش آید. ششم تنگ حوصله نباشد. هفتم فقیر دوست باشد، هشتم کاری گران و زیردستان خود را به نان و جامه شفقت نماید. نهم پسران مردمان را عزیز دارد. دهم آن که در کار خود چست و چالاک باشد» (خان‌محمدی، ۱۳۷۱).

همچنین در فتوت‌نامه سلطانی تأکید شده است که یکی از آداب حرفه معرکه‌گیری، نام

خدا و رعایت ادب در برابر مردم و سلام کردن است. چنانچه می‌خوانیم:

«اگر پرسند که ادب به معرکه در آمدن چند است؟ بگوی چهار: اول آنکه با طهارت باشد ... سوم نام خدای تعالی بر زبان راند. چهارم اگر جمعی حاضر باشند، برای ایشان سلام کند و اگر کسی نباشد، بدین عبارت بگوید که: السلام علی من سلم الله علیه و علاوه براین، بر وی لازم است که در تنظیم زمان اجرای برنامه، مراقب اوقات نماز باشد و اگر وقت نماز تنگ شد، معرکه را به پایان برساند» (واعظ کاشف سبزواری، ۱۳۵۰: ۲۷۷).

در بخش‌های دیگر همین فتوت‌نامه، بیست صفت اخلاقی و آدابی که یک مداح باید بدان مزین شود و سی خصلت منفی که باید ترک کند بیان شده است.

ادبیات حاکم بر این بخش از فتوت‌نامه‌ها به گونه‌ای است که انگار برای عارف فتوت‌نامه‌نویس، صرف دانستن این آداب نیز دارای اهمیت بوده است. به طوری که اگر صاحب فتوت‌نامه چنین اراده می‌نموده که پیشه‌ور وظایف شرعی و اخلاقی خود را در اجرای کار بدانند، دیگر لازم نبود با تعبیر «اگر پرسند»، «بگو» این مسائل را گوشزد کند. فتوت‌نامه‌نویس می‌توانست بگوید: «بنا باید باحیا باشد»؛ اما انگار عمد دارد که یک بنا نسبت به این امور از آگاهی و اشراف کامل برخوردار باشد. بنابر این در بسیاری از موارد، با الگوی: «اگر پرسند... بگو» نکات اخلاقی گفته شده است.

چند مثال فوق نشان می‌دهد که اموری دینی و اخلاقی وجود دارد که بر هر پیشه‌وری عمل به آن ضروری است. انگار حرفه و پیشه‌گری بهانه‌ای بوده که فتوت‌نامه‌نویس به مخاطبان خود درس اخلاقی بدهد و چنین حکم کند که انسان در همه مراحل زندگی خصوصاً در کار باید به امور شرعی ملتزم باشد. چنانچه در ابتدای فتوت‌نامه معماران خوانندیم، این هم‌نشینی را جزء اصول کار شمرده و تلاش کرده است این امور اخلاقی از کار و حرفه جدا نشود.

۴- توجه به منشاء عمل هنری

گام بعد، بیان نگاه کلی فتوت‌نامه‌ها در باره منشاء اثر هنری است. در نگاه نخست به نظر می‌رسد که نویسندگان این متون، منشأ هنر را در عالم قدس دانسته و پیامبران و قدیسان را

آوردگان اوصاف و صناعات متّصف به فتوّت معرفی می‌کنند (نصر، ۱۳۸۸: ۵۸). با این حال، تفاوت‌های قابل ذکری نیز میان فتوت‌نامه‌ها و اندیشه سنت‌گرایان وجود دارد که نگارنده در مقاله‌ای مستقل بدان پرداخته است (رک: ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۰۳).

درباره منشأ الهیاتی هنرها، سه روش در فتوت‌نامه‌ها قابل مشاهده است:

روش نخست، اتصال اصل مسئله فتوت و جوانمردی، به ریشه‌های الهی است که در پرتو آن، محصول عملی آنان نیز در این قاعده قرار می‌گیرد. به عنوان نمونه، ابو عبدالرحمن سلمی در همان ابتدای فتوت‌نامه خود، که ذکر آن گذشت، آدم ابوالبشر را به عنوان اولین کسی که دعوت فتوّت را اجابت کرد، معرفی می‌نماید:

«پس اولین کسی که اجابت کرد دعوت فتوّت را آدم ابوالبشر و بدیع الفطره بود. هابیل به فتوّت مقبول افتاد؛ چنان که قایل از آن مردود شد، شیث حق فتوّت را ادا کرد و از هر پلیدی آن را بپیراست. ادريس بدان به جایگاه عالی رسید و از نیرنگ ابلیس رهایی یافت» (سلمی، ۱۳۸۵: ۱۸).

روش دوم، بیان ریشه الهی هر یک از هنرها است. فتوت‌نامه‌ها سرسلسله صناعات یا اوصاف مرتبط با آیین فتوّت را از طریق اتصال آن‌ها به خود خداوند (رک: واعظ کاشف سبزواری، ۱۳۵۰: ۲۷۶)، فرشتگان (رک: همان: ۲۸۲)، پیامبران (رک: افشار، ۱۳۸۹: ۱۲) و برخی شخصیت‌های دینی همچون سلمان فارسی (رک: گولپینارلی، ۱۳۷۹: ۱۲۱)، به عالم قدس مرتبط کرده‌اند. در فتوت‌نامه سلطانی ذکر شده است که اصل معرکه‌گیری را نخستین بار، خود خداوند پس از آفرینش آدم اجرا کرده است. هنگامی که برای نشان دادن برتری آدم و عجز ملائکه، صحنه‌سازی کرده و از آنان نام مخلوقات را پرسید؛ در حالی که به آدم از قبل، آن‌ها را یاد داده بود. همچنین هنر مداحی به اسرافیل و جبرئیل نسبت داده شده است و هر دو در مدح رسول خدا ﷺ سخن گفته‌اند (واعظ کاشف سبزواری، ۱۳۵۰: ۲۷۶ و ۲۸۲). عبدالباقی گولپینارلی در کتاب خود پیرامون اهل فتوّت چنین می‌نویسد:

«در فتوت‌نامه‌ای کوچک، به شماره ۳۲۲۵ در کتابخانه ولی‌الدین افندی،

برخی از این موارد ذکر شده است. در این فتوت‌نامه، در مورد برخی از صنایع افرادی را معرفی می‌کند. او برای شاعران حسان بن ثابت، برای آرایشگران

سلمان فارسی و برای مؤذنان بلال حبشی را معرفی کرده است» (گولپینارلی، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

در جای دیگر گفته‌اند که هنر مداحی از حسان بن ثابت مانده است (واعظ کاشف سبزواری، ۱۳۵۰: ۲۸۲).

روش سوم، بیان منشاء الهی برخی از شئون و ابزارهای هر صنعت است. مثلاً آمده است که:

«خمره رنگ در زمان نوح پیدا شده است و دو تخته صندوق نیز از کشتی نوح علیه السلام پیدا شده است و طغار (طشت گلین) نیز از سنگ حضرت آدم علیه السلام تراشیده بود» (صراف، ۱۳۵۲: ۲۲۷).

در فتوت‌نامه سلطانی می‌خوانیم:

«اگر پرسند سنگ‌شکنی از که مانده، بگوی به ابراهیم خلیل علیه السلام که چون خانه کعبه بنا می‌کرد، جایی بودی که به سنگ خرد محتاج شدی و چنان سنگ حاضر نبودی؛ به تیغ دست مبارک سنگ را بشکافتی و به جای بنهادی. اما آن که سنگ بر سینه و پشت می‌شکنند، آن محض تهور و جهل است و هیچ نبی بدان نوع اقدام ننموده» (واعظ کاشف سبزواری، ۱۳۵۰: ۳۳۲).

صرف نظر از میزان صحت و سقم این انتساب، آنچه در این مقام مورد دقت بوده، تلاش برای تقدس و الهی جلوه کردن حرفه مورد نظر بوده و این امر به خودی خود می‌توانسته در نگرش هنرمند به حرفه خود و نحوه سلوک با آن مؤثر باشد.

۵- شناخت حلقه‌های واسطه

البته علاوه بر اهمیت دانستن اسامی افرادی که سرمنشأ هر حرفه محسوب می‌شوند، در ادبیات فتوت‌نامه‌ها، دانستن حلقه‌های وصل و اساتیدی که آن حرفه را از سرسلسله اول به پیشه‌ور رسانده‌اند نیز دارای اهمیت است. توجه فتوت‌نامه‌ها به سلسله اجداد صنفی و شجره‌نامه حرفه‌ای نیز بسیار به سنت عرفانی و اهمیت شناخت استاد در این سنت نزدیک است. در بیش‌تر فتوت‌نامه‌های صنفی، چنین می‌بینیم که فتوت‌نامه‌نویس تلاش داشته تا سلسله اساتیدی را که

جملگی آنان نیز از سالکان و عرفا بوده‌اند، به آن پیر و مرشد رسانده و جوانمرد را با همه این افراد آشنا کند. به عنوان مثال، در فتوت‌نامه آهنگران می‌خوانیم:

«اگر ترا پرسند جمله شاگردان داود پیغامبر ﷺ چند نفر بودند؟ جواب بگو سیصد و هفتاد شاگردان پیغمبران مرسل بودند. اگر ترا پرسند که نعل‌بندی که کرده است؟ جواب بگو خواجه داود ملائی کرده است. اگر ترا پرسند که شمشیرگری از که مانده است ... جواب بگو: که ... شمشیرگری از استاد هلال مانده است ... و نعل‌گری از استاد سبحان قلی مانده است و میخ‌گری از استاد نجم‌الدین چهلتی مانده است و قفل‌گری از استاد عبدالله مانده است و زرگری از استاد محمد عراقی مانده است و پتک‌گری از استاد ابوالقاسم مانده است. بدان که هزار استادی که یاد کرده شده است، همه از داود ﷺ خلیفه‌الله مانده است تا این زمان، باقی تا قیامت.» (افشار، ۱۳۸۹: ۱۲)

بنابراین هنرمند با علم نسبت به این که حرفه او ریشه در سنتی معنوی و اخلاقی داشته و موهبتی از جانب خداوند است، مقدمه معرفت و تفکر اخلاقی خود را هموار می‌دیده است. وقتی هنرمند می‌اندیشد که خداوند اراده نموده و آهن را در دستان داود نرم نموده و حال این موهبت از طریق اساتیدی به وی ارث رسیده است، درمی‌یافت که علم و قدرت تنها از آن خداوند است و هر حرفه و صنعت، اراده و موهبت الهی است. لذا چگونه ممکن است هنرمند چنین حرفه‌ای را در مسیر و استخدام اهداف شیطانی و غیرالهی در آورد. در حقیقت، دانش و علم سالک نسبت به سنت معنوی حرفه خود، می‌تواند مقدمه‌ای بر عرفان عملی او گردیده و وی را در مسیر تکامل و تخلّق به اخلاق حسنه یاری رساند.

۶- نقش استاد در فراگیری هنر

همچنین در عرفان و اخلاق، بارها تأکید می‌شود که سالک باید در مسیر حرکت خود مرشد و سالکی را به عنوان راهنما انتخاب کند. اهمیت استاد و پای نهادن در مسیر وی، یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح شده در کتب اخلاقی و از مبنایی‌ترین اقدامات هر سالک برای قدم نهادن در این مسیر است. لذا همان‌طور که همواره در عالم علم و دانش برای پی بردن به میزان دانش و اصالت

هر فرد، به اساتید وی توجه می‌شود، در عالم عرفان و اخلاق نیز اغلب بزرگی یک عارف به میزان بزرگی استاد اوست. همین اصل مهم در فتوت‌نامه‌ها به خوبی مراعات شده است. بارها به جوانمردی که قصد گرویدن به حرفه‌ای را دارد، گوشزد می‌شود که باید حرفه خود را نزد استادی صاحب نفس، متخصص و دارای کمالاتی برتر فرا گرفته باشد. در این نگرش، هنرمند نمی‌تواند به صورت خودآموز، حرفه‌ای را فرا گرفته و اساساً فاقد هویت و شجره‌نامه باشد. در ابتدای فتوت‌نامه قصاب، برای اهمیت تلمذ نزد استاد می‌خوانیم:

«بدانند فرزندان و جوانمردان که هیچ کس بی پیر و مرشد و بی استاد نیست. الدعاء: هل اتبعك على أن تعلمني مما علمت رشدا؛ یعنی تا موسی علیه السلام خدمت خضر علیه السلام نکرد، پیغمبری و علم لدنی حاصل نشد» (افشاری، ۱۳۸۲: ۴۶).

۷- توجه به حکمت حرفه و رمز

یکی از جذاب‌ترین نکات در فتوت‌نامه که شاید از بهترین انواع حکمت‌های نظری است، توجه دادن هنرمند به وجوه حکمی ابزار و مواد اوست. این که می‌بینیم در فتوت‌نامه‌های اصناف، ابزار و مواد و مصالح هنرمند جملگی دارای معنا و رمز است، به این معناست که سالک در سیر الی الله، از هیچ چیزی غافل نمی‌ماند و همه چیز را آیت و نشانه خدا و راهی برای رسیدن به کمال می‌داند.

در مقامات متعددی در فتوت‌نامه‌ها، حکمت، معنا، رمز و یا منشاء و ریشه برخی کارها و ابزار بیان شده است. هرچند بسیاری از این گفته‌ها ذوق فردی بوده و از نظر عقلی و دینی، شواهد محکمی ندارد، اما همین تلاش برای ریشه‌سازی و معنابخشی به لوازم کار، از جمله اقداماتی است که به نوبه خود دارای ارزش است و بین اخلاق و عمل هنری اتحاد برقرار می‌کند. مثلاً در فتوت‌نامه کفش‌دوزان می‌خوانیم:

«اگر پرسند که ریسمان و سوزن از که مانده است؟ بگو سوزن از قدرت حق است و ریسمان از حکمت خدای تعالی آفریده شده است. پس خدای تعالی، جبرئیل را فرستاد که از بهشت سوزن و ریسمان بیار! جبرئیل بر سوزن

هفت عدد ریسمان سفید نهاده است. برگرفته و بیاورد.» (همان: ۵۵)

گاه در بیان حکمت ابزار هنری، کار به جایی می‌رسد که نام ابزار نیز دارای معنای رمزی است. البته نه به این معنا که برای نام‌گذاری آن شیء عامدانه رموزی را به کار برده‌اند، بلکه از روی ذوق، عرفا از کلمات و نام‌ها، معانی را به حسب هر حرف استخراج کرده‌اند. مثلاً در فتوت-نامه کفش دوزان می‌خوانیم:

«اگر تو را پرسند که تخته چند حرف است؟ جواب بگو: چهار حرف.
اول «ت» اشاره از توبه؛ دوم «خ» اشاره از خوف عذاب خدای تعالی؛ سیوم «ت» اشارت از توکل بر خدا؛ چهارم «ه» اشاره از هوا؛ یعنی حرص را ترک کردن.» (همان: ۵۷)

این که هنرمند خود را دائماً در محضر الهی بداند و همه شئون کاری خود را در بستری معنوی تفسیر کند، حکمت بیان این قبیل حکمت‌ها بوده است. در فتوت‌نامه سلمانیان هم می‌خوانیم:

«اگر پرسند که تیغ چند است؟ بگو که سه تیغ است. اول تیغ صفا که به دست سلمانیان است؛ که پاک‌کننده است. دویم تیغ رضاست که به دست سلاخان است؛ که قبول‌کننده است. سیم تیغ سزا که به دست پادشاهان است؛ که دفع‌کننده است.» (افشاری و مدائنی، ۱۳۸۵: ۲۵۳)

راه کارهای عملی

گام دوم، پس از بیان روش‌های نظری و بیان لازمه‌های سلوک معنوی، راهکارهای عملی است. در این مرحله، تلاش می‌شود که بین عمل هنری و سلوک معنوی اتحادی برقرار شود و هنرمند با انجام هر کار، به طور هم‌زمان مراحل از سلوک را طی کند. در این راستا، برخی تأملات، اذکار و رفتارها برای ایجاد این اتحاد پیشنهاد شده است:

۱- در هم تنیدگی فتوت و کار

قبل از بیان راهکار، اصحاب فتوت، اصل‌گرایش به کار را نوعی سلوک معنوی به حساب می‌آورند. برای توضیح این ادعا، باید گفت در تاریخ فتوت‌نامه‌ها خواندیم که از دوره‌ای، جریان

فتوت‌نامه‌نویسی وارد فضای کسب و کار گردیده و فتوت‌نامه‌هایی برای هدایت اخلاقی اهل هنر و پیشه تنظیم شده است. با شواهدی که در دست است، می‌توان چنین برداشت کرد که قبل از فتوت‌نامه‌نویسی، اساساً حرفه و شغل، خاستگاهی دینی و اخلاقی داشته است و این مسئله را نمی‌توان منحصر در فتوت‌نامه دانست. این امر که به خوبی در رابطه دوسویه فتوت و پیشه‌وری دیده می‌شود، تأییدی بر این مدعاست که در مراحل نه تنها بین امر اخلاقی و عمل هنری مناسبت ایجاد می‌شود، بلکه از نگاه این مشهور، بین اصل گرایش به کار و اصل جوانمردی اتحاد است و در پی آن، بین آداب و اصول جوانمردی و بسیاری از امور اخلاقی ملازمت ایجاد شده است. در فتوت‌نامه‌ها، رابطه‌ای دوسویه‌ای میان فتوت و پیشه‌وری است. کسی که ورود به پیشه‌ای را اراده می‌کند، ابتدا باید وارد جرگه اهل فتوت گردیده و خود را بدان صفات مزین و مقید می‌کرده است (پازوکی، ۱۳۸۴: ۴۷). از سویی، مطابق آنچه از تاریخ اهل فتوت خبر داریم، حداقل در مقاطعی از تاریخ به پیشه‌ها و حرفه‌های مختلفی مشغول بوده‌اند و بهترین شاهد آن، همین فتوت‌نامه‌هایی است که امروز در دست است. از سوی دیگر، در فتوت‌نامه‌ها به لزوم علاقه و انجام کار و پیشه‌وری و دوری از بیکاری و تنبلی تأکید شده است. از سویی، بر هنرمند لازم است که اهل فتوت باشد و از سوی دیگر، بر جوانمرد لازم است اهل هنر؛ همچون بسیاری از عارفان، خود دارای شغل و حرفه بوده‌اند و آیین فتوت را در مشاغل و حرفه‌ها و در آداب و قواعد هر یک از شغل‌ها نیز دخالت داده‌اند، اهل فتوت بر اساس سنت نبوی و سخنان پیامبر اسلام ﷺ بر این امر واقف بودند که سالک باید به شغل و حرفه اشتغال داشته باشد و به این سخن پیامبر اکرم ﷺ استناد می‌کردند که فرمودند: «خداوند از بنده بیکار بیزار است (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۵۸/۹)». از سوی دیگر، بر اهل حرفه و پیشه‌وری نیز رعایت اصول جوانمردی فرض و لازم بوده است (واعظ کاشف سبزواری، ۱۳۵۰: ۳۵). کربن معتقد است نفوذ فتوت در مشاغل گوناگون در سازمان، رسوم و قواعد آن‌ها اثر عمیقی داشته است. وی می‌نویسد:

«جوانمرد کسی است که مظهر کامل جوانمردان و انتقال شوالیه‌گری جنگی به عرفانی است؛ اما فرد مؤمنی که به حرفه‌ای اشتغال دارد، به صورت نمونه‌ای مطلوب درمی‌آید. حرفه کسی که به فتوت می‌پیوندد، هر حرفه‌ای

که باشد، به نوعی خدمت شوالیه‌گری تبدیل می‌گردد» (کربن، ۱۳۸۳: ۸۰).

در قابوس‌نامه هم ذکر شده است که جوانمردی، شامل مردمان بازاری نیز می‌شده است (عنصرالمعالی، ۱۳۸۵: ۲۴۹). در ادامه افق همین بینش دینی، وقتی فردی از سر اخلاق و ایمان به خداوند، قدمی برمی‌دارد، هر قدم او نیز عبادت و ثواب است. به عبارت دیگر کارهای زندگی انسان مسلمان اگر با نیت الهی و بر وجهی فی سبیل الله باشد، هرچند در ظاهر، شبیه اعمال عبادی نیست، اما چون با نیت رضای خدا، خدمت به خلق و تکامل روحی بوده است، خود عبادتی مستقل محسوب می‌شود. خصوصاً اینکه فتوت‌نامه او را ملزم می‌کند که در هنگام انجام کار از ریا پرهیز کند و همواره با صداقت و توکل به خدا گام بردارد (واعظ کاشف سبزواری، ۱۳۵۰: ۲۷۸). از این رو، وقتی جوانمرد خود را به اصول اخلاقی مزین می‌کند و وارد حرفه خود می‌شود و همه هدف او برآوردن حاجت خلق و توجه به خدا و ایمان به خالق هستی است، بدیهی است که عمل او نه تنها یک شغل و حرفه، بلکه عبادتی خالصانه و سلوکی معنوی به حساب می‌آید. بر همین اساس است که گاهی فتوت‌نامه‌ها به این امر توجه داده‌اند که حرفه و هنر آن‌ها خود نوعی عبادت محسوب می‌شود. برای نمونه، در فتوت‌نامه کفش‌دوزان آمده است:

«اگر تو را پرسند که کفش‌دوزی و موزه‌دوزی فرض است یا سنت؟
جواب بگو: تعلیم فرض است. چراکه منہاج را مهتر جبرئیل تعلیم کرد»
(افشاری، ۱۳۸۲: ۶۲).

پس اگر بپذیریم که کار شرط - یا حداقل جزء - جوانمردی و عمل با نیت نیک، نوعی سلوک معنوی است، می‌توان به این نتیجه رسید که در این دستورالعمل، فتوت‌نامه بر این عقیده است که بین سلوک معنوی و عمل هنری، نوعی اتحاد برقرار می‌شود و اساساً عمل هنری - با رعایت قانون اهل فتوت - نمی‌تواند بدون طی مراحل معنوی نباشد.

۲- یادآوری زبانی

نوع دیگری از دستورالعمل‌های فتوت‌نامه برای سلوک معنوی، ذکر و یادآوری است. لازم است که هنرمند همه چیز را یادآور خداوند دانسته و در اثر آن، به مقامی می‌رسد که خدا را در همه عالم متجلی می‌بیند. لذاست که در هنگام مواجهه با جهان و هر شیء در آن، به ذکری

مشغول می‌شود. در مرصاد العباد آمده است:

«بدان که حجب روندگان در نتیجه نسیان است. پس لاجرم در مقام معالجه از شفاخانه قرآن این شربت می‌فرماید که: اذکروا الله ذکراً کثیراً... بدان که ذکر بی آداب و شرایط گفتن زیادتى مفید نبود. مردی صادق را چون درد طلب و داعیه سلوک این راه پدید آید، نشانش آن است که با ذکر انس گیرد» (رازی، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

فتوت‌نامه نیز به هنرمند همین سرمشق را درس می‌دهد. بر پیشه‌ور فرض می‌گیرد که در هر مقامی از انجام کار خود، ذکرى بر لب داشته باشد. در فتوت‌نامه معماران می‌بینیم که به هنگام رفتن بر سر کار ذکر آیه «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹) سفارش شده است. هنگام دست گرفتن ماله نیز توصیه می‌شود که معمار بگوید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا» (تحریم: ۸). در ادامه می‌خوانیم: «و اگر پرسند چون خشت بر یکدیگر نهی کدام آیه خوانی، بگو: إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» (زلزال: ۱) (خان‌محمدی، ۱۳۷۱). در فتوت‌نامه آمده است: «اگر پرسند که قدم به کارخانه می‌گذاری کدام آیه می‌خوانی؟ بگو قوله تعالی: «لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى» (لیل: ۵-۱۶)» (صراف، ۱۳۵۲: ۲۲۷).

نکته قابل توجه در این شاخصه محتوایی فتوت‌نامه، حکمت بخشی یا به تعبیر دیگر، بیان حکمت نهفته در اعمال پیشه‌وری و ارتباط معنای اذکار وارده با نفس عمل است. به گونه‌ای که بسیاری از اذکار وارده هنگام کار، از نظر معنای آن ذکر و جمله، ارتباطی وثیق با خود عمل دارد. به عنوان مثال، در فتوت‌نامه معماران می‌بینیم که به هنگام رفتن بر سر کار و تلاش ذکر آیه «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»، هنگام دست گرفتن شاقول آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (من عمل مثقال ذره خیراً یره و من يعمل مثقال ذره شراً یره) توصیه شده است (خان‌محمدی، ۱۳۷۱). در فتوت‌نامه طبّاحان هم آمده است که «اگر پرسند چون آتش روشن می‌کنی، چه می‌گویی؟ بگو یا واحد الفهار اکرمنی» (افشاری، ۱۳۸۲: ۷۱).

۳- پایبندی به شرع و اخلاق

مقید بودن به امور شرعی و اخلاقی، توصیه عملی دیگر فتوت‌نامه‌هاست. این پایبندی که

منجر به سلوک معنوی هنرمند می‌شود، گاه توصیه به همان امور شرعی است که بر هر مسلمان با صرف نظر از پیشه او واجب و یا سفارش شده است و گاهی نسبت به اموری است که از لوازم و احکام مربوط به حرفه بوده است. در این نوع از پایبندی، اساساً امکان تخطی وجود ندارد. اگر شغلی خلاف شرع و اخلاق انگاشته شده و از آن مذمت شده و عامل آن را خارج از دایره فتوت دانسته باشند، هیچ‌گاه آن شغل، فتوت‌نامه نخواهد داشت و عامل به آن، عملاً خارج از چهارچوب فتوت است. به عنوان نمونه، ابن معمار بغدادی در فتوت‌نامه خود، مشاغلی مانند سحر، پیش‌گویی، کهنات و سفسطه‌گری، صورت‌گری، قصه‌گویی، نی‌نوازی، شعبده‌گری، دلقک‌بازی، ساختن آلات موسیقی، خنیاگری و رامش‌گری را فاقد شرایط فتوت دانسته است (ابن معماری بغدادی، ۱۹۵۸: ۱۷۴). در بیان یک قاعده کلی، هر آن‌چه با اسلام منافی بوده و انسان را از آن خارج می‌کند، از نگاه فتوت‌نامه‌نویس، منافی فتوت و روح جوانمردی محسوب شده است (همان: ۱۸۰). در فتوت‌نامه منظوم ناصری، شغلی همچون دلالی و دلاکی خلاف اصول جوانمردی محسوب شده و ممنوع اعلام شده است؛ چرا که دلاک به خاطر نقل معایب فردی به فرد دیگر نمی‌تواند جزء جوانمردان باشد (گولپینارلی، ۱۳۷۹: ضمیمه کتاب). در مورد غایت کار و توجه به هدفمند و مفید بودن حرفه نیز در فتوت‌نامه سلطانی آمده که:

«اگر پرسند که معرکه چند نوع است؟ بگوی دو نوع: یکی مقبول و پسندیده و آن معرکه‌ای است که در وی سخنان خوب بگذرد و بر وجهی باشد که از آن فایده دین و دنیا حاصل شود. دوم نامقبول و ناپسند و آن معرکه‌ای است که در وی سخنان نامشروع و حرکات نالایق واقع باشد» (واعظ کاشف سبزواری، ۱۳۵۰: ۲۷۷).

این دستورات نشان می‌دهد که در برخی مواقع فتوت‌نامه‌نویس، عمل هنری را با اصل امور یکی انگاشته و به تعبیر دقیق‌تر اگر کسی بخواهد به شرع و اخلاق پایبند باشد، اساساً به چنین حرفه‌ای نباید پردازد. نه اینکه بگوییم این حرفه به وجود خود در اجتماع ادامه دهد، اما آدابی را باید در آن مورد رعایت کرد. با این حساب، اصل پایبندی به شرع و اخلاق، گاهی به عنوان نوعی آداب در کنار عمل هنری شناخته شده است و گاهی از اساس متحد با همان بوده و جز آن نیست. هر فتوت‌نامه، مطابق نوع صنف و حرفه‌ای که در دستور کار دارد، نکاتی اخلاقی را

برای سلوک معرفتی هنرمند پیشنهاد کرده و انجام آن‌ها را لازم می‌داند. هرچند تقریباً در همه فتوت‌نامه‌ها آداب اخلاقی عامی سفارش می‌شود؛ اما در بسیاری از این متون، آداب و اخلاقیات متناسب با همان صنف و حرفه تدوین شده است. به‌عنوان مثال، در فرازی دیگر از فتوت‌نامه معماران نوشته‌است:

«اگر پرسند که چند اصل است بنائی را بگو که پنج اصل است. اول با طهارت بودن، دوم بر جاده راستی بودن، سوم باحیا بودن و نظر از غیر برداشتن، چهارم کم سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد مشایخ و بزرگان. اگر پرسند که چند حکم باشد بنائی را، بگو که ده حکم است. اول آنکه هر صبح که برخیزد از علم شریعت و طریقت باخبر باشد تا استادی او را مسلم باشد. دوم، هر کس را درخور حوصله و توانائی کار فرماید. سوم، باسخاوت و خیر باشد، چهارم در کار خود استاد باشد و آن‌چه را که انجام دهد چنان باشد که از برای خود نماید. پنجم با همه کس به خلق نیکو پیش آید. ششم تنگ حوصله نباشد. هفتم فقیر دوست باشد، هشتم کاری گران و زبردستان خود را به نان و جامه شفقت نماید. نهم پسران مردمان را عزیز دارد. دهم آنکه در کار خود چست و چالاک باشد» (خان‌محمدی، ۱۳۷۱).

و در مقامی دیگر در این فتوت‌نامه می‌خوانیم:

«گر پرسند که کدام خصلت بنایان بیشتر به کار آید، بگو حیا، چراکه حیا و چشم‌پاک داشتن، از خصلت‌های جوانمردان است و بخصوص بنایان را بکار آید که چون بر کار بالا روند چشم پاک دارند و در خانه دیگران ننگرند و چون ناخواسته عورت دیگران بیند چشم بسته دارد و هرگز چون بر کار باشد به اطراف ننگرد و آن‌چه بیند چشم پوشد» (همان).

همین رویه در فتوت‌نامه‌های دیگر مانند چیت‌سازان (رک: صراف، ۱۳۵۲: ۲۲۷)، کفش-دوزان و طب‌اخان (رک: افشاری ۱۳۸۲: ۵۵ و ۷۱) و موارد دیگر پر تکرار است.

بررسی این نوع آداب اخلاقی، نشان می‌دهد که عمل هنری می‌تواند در ارتباط مستقیم با آموزه‌های دینی و اخلاقی باشد و هر مرحله از کار هنری، پله‌ای برای معنویت و رشد اخلاقی

باشد.

باید گفت که برای هر یک از عنوان‌های ذکر شده در روش‌های نظری و عملی، نمونه‌های متنوع و متعددی در فتوت‌نامه‌ها مشاهده می‌شود که در این مقاله به خاطر رعایت اختصار، برای هر عنوان، به چند نمونه اکتفا شده و در بین این متون موارد متنوع‌تر و البته متناسب با برخی حرفه‌های دیگر قابل مشاهده است. با این حال، به نظر می‌رسد، به روزترین مباحث و متناسب‌ترین مصداق‌ها را می‌توان در فتوت‌نامه سلطانی پیدا کرد.

نتیجه

آنچه گذشت نشان می‌دهد که از نظر فتوت‌نامه‌ها، عمل هنری و پرداختن به حرفه و کار می‌تواند یکی از روش‌ها و بسترهای ایجاد معنویت و سلوک باشد. چنانچه از محتوای سایر فتوت‌نامه‌های صنفی و حتی غیرصنفی به دست می‌آید، اهل فتوت و هرکس که قرار است نسبت به تعالیم فتوت‌نامه ملتزم باشد، هر شأن از زندگی او به نوعی حرکت به سمت تعالی و معنویت است. همچنان که سایر آموزه‌های دینی، انسان را دعوت به تلاش برای تعالی کرده (رک: انشقاق: ۶)، فتوت‌نامه‌ها نیز تلاش در انجام کارها و حرفه‌ها را بستری برای رشد تلقی می‌کند. در واقع مطابق تعالیم این متون، سلوک هنری و معنوی طی یک فرآیند محقق شده و در مسیر ساخته شدن اثر واحد، هم‌نشین یکدیگر می‌گردند و در ادامه، هنرمند نیز می‌تواند و البته لازم است در خلق اثر هنری خود به سلوکی معنوی و بینشی باطنی دست بیابد.

از سوی دیگر، می‌توان ادعا کرد هنرمند نیز در سلوک باطنی خود در فرآیند خلق اثر هنری، به مراتب بهتر و بیش‌تر و سریع‌تر مراتب سلوک را طی می‌کند. چرا که در مواردی که انسان‌های عادی و غیر هنرمند، در مواجهه با خلقت آسمان و زمین رویکردی باطنی گرفته و عمیقاً در آن می‌اندیشد، هنوز سختی و شیرینی خلقت را درک نکرده و صرفاً در مقام مخاطب به چنین بهره‌ای از عالم دست خواهد یافت. اما هنرمند از جنبه خلقی، خلیفه خداوند و در حال تقلید از او در امر خلقت است. بدیهی است چنین انسانی بهره‌ای بیش‌تر و سلوکی بهتر را در پیش دارد. چنانچه همیشه یک شاعر قدر شعر حافظ و یک عارف ارزش مثنوی مولانا را بیش‌تر از افراد عوام

می‌دانند و یک موسیقی‌دان ارزش سمفونی‌های ماندگار را بیش‌تر از افرادی می‌شناسد که شناختی از علم موسیقی ندارند.

چنان‌چه در ابتدای این نوشتار به عنوان مسئله بیان شد، دستورات فتوت‌نامه از ابتدایی‌ترین لحظات پیشه‌وری تلاش می‌کند بین معنویت و هنر نوعی هم‌نشینی ایجاد کند و در ادامه، اگر هنرمند در مسیر تحقق اثر هنری خود به توصیه‌های فتوت‌نامه توجه کند، درخواهد یافت که حرفه و کار او تنها به اذن خدا، برای خدا و از جانب خداست. چنین هنرمندی در بالاترین درجه ایمان، احساس می‌کند که خداوند اول و آخر است و هنر محل تلاقی صفات جمال و جلال الهی خواهد بود و همان اتحاد نگاه باطنی و رشد اخلاقی با لحظه لحظه خلق اثر هنری است.



منابع

قرآن کریم.

ابراهیمی، احمدرضا، (۱۳۹۵)، «طرح یک مناقشه؛ بازخوانی وجه هنری فتوت‌نامه‌ها از منظر اندیشه سنت‌گرا»، *کیمیای هنر*، شماره ۲۰، صص ۱۰۳-۱۱۵.

ابن ابی‌المکارم، شیخ ابی‌عبدالله ابن‌معمار بغدادی حنبلی، (۱۹۵۸)، *کتاب الفتوه*، بغداد: مکتبه المثنی؛ مطبعه شفیق.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
افشار، ایرج، (۱۳۸۹)، «فتوت‌نامه آهنگران»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، سال پنجم، شماره ۱۲، صص ۱۱-۱۲.

افشاری، مهران و مدائنی، مهدی، (۱۳۸۵)، *چهارده رساله در باب فتوت و اصناف*، تهران: چشمه.
افشاری، مهران، (۱۳۸۲)، *فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

پازوکی، شهرام، (۱۳۸۴)، *حکمت هنر و زیبایی در اسلام*، تهران: فرهنگستان هنر.
پورجوادی، نصرالله، (۱۳۷۲)، *مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی*، جلد دوم، تهران: دانشگاهی.
جمشیدی، حسن، (۱۳۸۷)، *رساله صناعیه*، قم: بوستان کتاب.

خان‌محمدی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، «فتوت‌نامه معماران و بنایان»، *نشریه صفه*، دوره دوم، شماره ۵، صص ۱۰-۱۵.

دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
رازی، نجم‌الدین، (۱۳۸۸)، *گزیده مرصاد العباد*، انتخاب و مقدمه محمد امین ریاحی، تهران: علمی.
ریاض، محمد، (۱۳۸۲)، *فتوت‌نامه: تاریخ، آیین آداب و رسوم؛ به انضمام رساله فتوتیه میر سید علی همدانی*، تهران: اساطیر.

زبیدی، مرتضی، (۲۰۱۱)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالصادر.
سلمی، ابو عبد الرحمن، (۱۳۸۵)، *جوانمردی و جوانمردان (کتاب الفتوه)*، ترجمه قاسم انصاری، قزوین: حدیث امروز.

سلمی، ابو عبد الرحمن، (۱۳۹۷)، *کتاب الفتوه*، بی‌جا: مطبعه جامعه آنقره.
صراف، مرتضی، (۱۳۵۲)، *رسائل جوانمردان مشتمل بر هفت فتوت‌نامه*، تهران: انیستیتو فرانسوی

پژوهش‌های علمی ایران.

عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار، (۱۳۸۵)، *قابوس‌نامه*، تهران: علمی فرهنگی.

قشیری، عبدالکریم بن هوازن، (۱۳۸۳)، *رساله قشیریہ*، ترجمه محمد حسین فروزانفر، تهران: علمی فرهنگی.

قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب.

کربن، هانری، (۱۳۸۳)، *آیین جوانمردی*، ترجمه احسان نراقی، تهران: سخن.

کرول، نوئل، (۱۳۹۵)، *درباره نقد*، ترجمه صالح طباطبایی، تهران: نی.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹)، *الکافی*، قم: دارالحدیث.

کوفی، فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰)، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزاره الإرشاد الإسلامی.

گنون، رنه، (۱۳۸۴)، *سیطره کمیت و علائم آخرالزمان*، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: مرکز دانشگاهی.

گولپینارلی، عبد الباقی، (۱۳۷۹)، *فتوت در کشورهای اسلامی*، ترجمه توفیق سبحانی، تهران: روزنه.

مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

معلوف، لوئیس، (۱۳۷۸)، *فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)*، ترجمه احمد سیاح، تهران: اسلام.

نصر، سیدحسین، (۱۳۸۸)، *معرفت و امر قدسی*، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، تهران: فرزاد روز.

نصر، سیدحسین، (۱۳۸۹)، *هنر و معنویت اسلامی*، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: حکمت.

نفیسی، سعید، (۱۳۸۵)، *سرچشمه تصوف در ایران*، تهران: اساطیر.

واعظ کاشف سبزواری، حسین، (۱۳۵۰)، *فتوت‌نامه سلطانی (فرهنگ عامه ۴)*، به اهتمام محمد جعفر

محبوب، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.